

• درآمد

در تاریخ نگاری نوین، اهمیت مجموعه ای که ترتیب و توالی وقایع تاریخی یک ملت، قوم و... را دربرگیرد کاملاً آشکار است، چه بهتر می تواند پژوهشگران و محققان را به کار آید. با توجه به این اهمیت و طرح ضرورت تهیه سال شمار وقایع قیام مردم جنوب، به توسط دوست فاضل و دانشمندم جناب آقای دکتر خیراندیش در هیأت علمی کنگره شهید رئیس علی دلواری، انجام این مهم را فرض دانسته درصدد تهیه و تدوین آن برآمدم و اینک آنچه پیش روی خواننده گرامی قرار دارد حاصل این تلاش است.

این سال شمار براساس سال های شمسی / میلادی تنظیم گردیده است و از سال ۱۱۱۴ ه.ش / ۱۷۳۵ م. - سال احداث بوشهر جدید (بندر نادری) در زمان نادرشاه افشار - تا سال ۱۳۰۸ ه.ش / ۱۹۲۷ م. - سال درگذشت غضنفر السلطنه برازجانی از هم زمان شهید رئیس علی دلواری - شامل می شود. این مجموعه وقایع مربوط به هجوم های سه گانه انگلستان به بوشهر که در سال های ۱۸۳۸، ۱۸۵۶، ۱۹۱۵ م. به وقوع پیوسته است دربرمی گیرد. همچنین فهرست منابع و مأخذی که از آنها استفاده یا به آنها مراجعه شده است نیز در بخش ضمائم درج گردیده است.

در پایان از تمامی اعضای هیأت علمی کنگره و برادر محمد دادفر که با راهنمایی بی شائبه خود مرا یاریگری نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.



■ سال شمار وقایع جنوب ایران

(از ۱۱۱۴ ه.ش / ۱۷۳۵ میلادی تا ۱۳۰۸ ه.ش / ۱۹۲۷ میلادی)

دکتر عبدالکریم مشایخی

سال شمار وقایع جنوب ایران ...

هیأت سیاسی نظامی انگلیس به علت مسأله هرات و سایر اختلافات موجود از ایران خارج شدند.

۱۲۱۸ ه.ش / ۱۸۳۹ م

درگیری مردم بوشهر با آدمیرال میتلند و سنگ اندازی به او.

۱۲۲۰ ه.ش / ۱۸۴۱ م

پالمرستون کوشش نمود تا روابط سیاسی انگلیس و ایران که بر سر مسأله هرات قطع شده بود دوباره برقرار گردد. دو کشور قراردادی تجارتي امضاء نمودند که به موجب آن ایران در لندن و بمبئی و انگلستان در تهران و تبریز و بوشهر کنسولگری دائر می کرد.

۱۲۲۱ ه.ش / ۱۸۴۲ م

نیروهای انگلیسی جزیره خارک را تخلیه می کنند. گشایش مجدد کنسولگری بریتانیا در بوشهر به دنبال تعطیل شدن آن در سال ۱۸۳۹ م.

۱۲۲۶ ه.ش / ۱۸۴۷ م

به پالمرستون گزارش شد که محمدشاه قصد حمله مجدد به هرات را دارد.

۱۲۲۷ ه.ش / ۱۸۴۸ م

محمدشاه درگذشت و فرزندش ناصرالدین شاه به جانشینی او تعیین گردید.

۱۲۳۲ ه.ش / ۱۸۵۳ م

آغاز جنگ های کریمه، در این جنگ ها انگلیس، عثمانی، فرانسه علیه روسیه می جنگیدند. سیاست ناصرالدین شاه طرفداری از روس ها بود.

۱۲۳۲ ه.ش / ۱۸۵۳ م

انگلستان در واکنش نسبت به سیاست ناصرالدین شاه روابط خود را با ایران به حالت تعلیق درآورد.

۱۲۳۴ ه.ش / ۱۸۵۵ م

ناصرالدین شاه، مورای سفیر انگلیس را به حضور پذیرفت و به او گفت که ایران نمی تواند در جنگ بین روس ها و

انگلستان در هندوستان هرات که جزو خاک ایران بود مورد توجه استعمارگران هند قرار گرفت آن را دروازه هندوستان می دانستند.

۱۲۱۶ ه.ش / ۱۸۳۷ م

محمدشاه برای دومین بار اقدام به لشکرکشی به هرات و محاصره این شهر نمود. متعاقب لشکرکشی محمدشاه به هرات، کشتی های جنگی دولت انگلیس درصدد واکنش برآمده، به دنبال تیره شدن روابط دو کشور یک فروند از آن ها در برابر بوشهر آمده پانصد نفر سرباز از کشتی پیاده

پالمرستون کوشش نمود تا روابط سیاسی انگلیس و ایران که بر سر مسأله هرات قطع شده بود دوباره برقرار گردد. دو کشور قراردادی تجارتي امضاء نمودند که به موجب آن ایران در لندن و بمبئی و انگلستان در تهران و تبریز و بوشهر کنسولگری دائر می کرد.

کرده، در محله کوتی که خانه بالیوز انگلیس در آنجا بود منزل نمودند. شیخ حسن مجتهد آل عصفور و شیخ سلمان برادرزاده اش و باقرخان تنگستانی با اهالی بوشهر ازدحام نموده تمامی سربازها و بالیوز را از بوشهر اخراج نمودند و چندین نفر از طرفین کشته گشت.

۱۲۱۶ ه.ش / ۱۸۳۷ م

انگلیس ها به تلافی شکست بوشهر، جزیره خارک را متصرف و آنجا را پایگاه خود قرار دادند.

۱۲۱۷ ه.ش / ۱۸۳۸ م

۱۱۱۴ ه.ش / ۱۷۳۵ م

نادرشاه افشار بوشهر را به عنوان مرکز نیروی دریایی خود برگزید. از این زمان تاریخ جدید بوشهر آغاز گشت و با حاکمیت خاندان آل مذکور مبدل به مهمترین بندر تجاری ایران گردید.

۱۱۳۶ ه.ش / ۱۷۵۷ م

آغاز پادشاهی مستقل کریم خان زند. در دوره کریم خان زند خوانین و جنگجویان دشتی، دشتستانی و تنگستانی به یاری او شتافتند. لذا از این زمان در حیات سیاسی کشور نقش مهمی پیدا کردند.

- در این زمان شهر برازجان در منطقه زراعی جنوب شهر فعلی بنا نهاده شد.

- شورش میرمهای بندرریگی و افول موقعیت بندرریگ

۱۱۴۱ ه.ش / ۱۷۶۲ م

تأسیس نمایندگی بریتانیا در بوشهر عقد قرارداد مهم بین کمپانی هند شرقی و کریم خان زند راجع به آزادی تجارت و معافی از گمرکی کالاهای انگلیسی

۱۱۷۴ ه.ش / ۱۷۹۵ م

تأسیس سلسله قاجاریه به وسیله آغا محمدخان

۱۱۹۰ ه.ش / ۱۸۱۲ م

گشایش اولین کنسولگری بریتانیا در بوشهر

۱۱۹۱ ه.ش / ۱۸۱۳ م

در پی شکست فتحعلی شاه قاجار در برابر روسیه عهدنامه ننگین گلستان منعقد شد.

۱۲۰۶ ه.ش / ۱۸۲۸ م

انعقاد عهدنامه ننگین ترکمانچای - از دست رفتن اراضی شمال رود ارس - آغاز مداخلات وسیع بیگانه و کسب امتیازات توسط آنان

۱۲۱۱ ه.ش / ۱۸۳۲ م

یاغیگری کامران میرزا حاکم هرات. به دلیل گسترش نفوذ

آن شهر چنانچه متوجه شدند که شاه از عقب نشینی از هرات خودداری می‌کند، باید با قسمت عمده قوای تحت امر خود جهت تصرف خرمشهر به ارون رود و از طریق کارون به شوشتر پیشروی کرده، از آنجا اصفهان را مورد تهدید قرار دهد.

۲۷ ژانویه ۱۸۵۷

ورود سرلشکر اوترام به بوشهر و استقرار او به عنوان فرماندهی کل نیروهای انگلیسی.

۳ - ۵ فوریه

اردوکنشی اوترام به سوی برازجان، اردوگاه نیروهای ایرانی در نینزک قرار داشت، قرار شد شجاع الملک نوری فرمانده نیروهای ایرانی در دلکی مستقر شود و سواران قشقائی در نینزک و با رسیدن انگلیسی‌ها به برازجان از دو سمت شمال و جنوب آن‌ها را مورد حمله قرار دهند.

۵ فوریه

ورود نیروهای اوترام به برازجان در حالی که شهر کاملاً خالی از سکنه بود و یک شب پیش شهر تخلیه شده بود.

۵ فوریه

عقب نشینی سریع انگلیسی‌ها به خوشاب، اوترام که وضع خطرناک نیروهای خود را در برابر قوای ایران دیده بود به سرعت برازجان را تخلیه کرده، عازم بوشهر شد.

۵ فوریه

شب هنگام نیروهای ایرانی خود را به انگلیسی‌ها رسانیده با آتش توپخانه حمله را آغاز کردند. انگلیسی‌ها در حالت سردرگمی شب را به صبح رساندند و با تحمل تلفات آماده عقب نشینی شدند.

۶ فوریه

زیر باران شدید و تعقیب نیروهای ایرانی - انگلیسی‌ها سراسیمه به سمت بوشهر عقب نشستند. نیروهای ایرانی به خصوص سواران قشقائی آنان را تا بوشهر تعقیب کردند.

۷ فوریه

ورود انگلیسی‌ها به بوشهر در نیمه های شب و استقرار مجدد در آنجا و مستحکم ساختن آن به منظور مقابله با حمله نیروهای ایرانی.

با ایستادگی نیروهای ایرانی در دشتستان، انگلیسی‌ها عملیات در خوزستان را مد نظر قرار دادند.

۱۲۳۶ ه.ش / ۱۸۵۷ م

۴ مارس

ناصرالدین شاه که از پیشروی انگلیس‌ها وحشت کرده بود، عهدنامه پاریس را که براساس آن افغانستان برای همیشه از ایران جدا می‌شد، پذیرفت و روابط دو کشور مجدداً عادی شد.

۱۴ مارس

سرلشکر استاکر فرمانده قبلی نیروهای انگلیس در عملیات جنوب با شلیک گلوله به حیات خود پایان داد.

۲۶ مارس

ژنرال اوترام در رأس یک ستون نظامی متشکل از هنگ پیاده نظام سلطنتی، گردان ۷۸ کوهستان و گردان‌های ۲۰ / ۲۳ و ۲۲ پیاده، یگان‌های سواره نظام سنگین اسلحه ۱۴ مارس با استعداد ۴۸۸۷ نفر سرباز خرمشهر را از طریق دریا مورد حمله قرار داد.

۳۱ سپتامبر ۱۸۵۷

ناصرالدین شاه نیروهای ایران را از هرات فراخواند.

دوم اکتبر

سررتیب جاکوب در رأس افراد ساخلوی بوشهر عازم هند گردید، ناخدا دوم فلیکس جونز وظایف محوله را به



پرداختند.

- احمدخان تنگستانی فرزند رشید باقرخان رشادت فوق العاده ای ابراز نموده، بعد از به قتل رسانیدن ژنرال «دیوید استاپ فورد» در نبردی تن به تن، خود نیز در راه دین و وطن به شهادت رسید.

۱۰ - ۹ دسامبر

در پی بمباران‌های سنگین ناوهای جنگی انگلیس، سرانجام بوشهر به اشغال نیروهای انگلیسی درآمد. در این

ساکنان بوشهر و سایر شهرهای ساحلی جنوب ایران با دریافت خبر مقدمات اردوکنشی از بمبئی فوق العاده خشمگین شده و جوسیاسی بوشهر آنچنان متشنج شده که جونز آرشیو نمایندگی سیاسی انگلیس و نفوذ موجود در آنجا را به یک ناو گشتی انگلیس که در نزدیکی بوشهر لنگر انداخته بود منتقل کرد.

عملیات تلفات سنگینی به نیروهای انگلیسی وارد شد، فرماندهان هنگ‌های سواره نظام و پیاده نظام انگلیسی هر دو کشته شدند و چندین افسر انگلیسی به شدت زخمی گردیدند.

۱۰ دسامبر

حاکم بوشهر میرزا حسن علی خان دریابگی پرچم ایران را به نشان تسلیم فرود آورد. و به زودی سربازان انگلیسی - هندی، شهر بوشهر را اشغال می‌کنند.

۱۹ دسامبر

به سرلشکر جیمز اوترام فرمانده جدید نیروهای انگلیسی دستور داده شد. عازم بوشهر گردد و به محض ورود به

عثمانی بی طرف باقی بماند، مورای در پاسخ وی گفت که اگر ایران از بی طرفی خود به نفع روس‌ها چشم‌پوشد، عواقب آن برای ایران ناخوشایند خواهد بود.

۱۲۳۴ ه.ش / ۱۸۵۵ م

دوست محمدخان حاکم کابل درصدد برآمد که به قندهار نیرو اعزام نماید و با این هدف کابل، قندهار و هرات را به صورت ایالاتی یکپارچه و متحد تحت نظارت خود درآورد. او از حمایت دولت انگلیسی هند برخوردار بود.

۱۲۳۴ ه.ش / ۱۸۵۵ م

مورای از تهران به انگلستان عزیمت نمود و دیپلمات‌های انگلیس نیز ایران را ترک نمودند.

دوست محمدخان قندهار را تصرف کرد و شایعه شد که او بعداً به هرات لشکر خواهد کشید.

ناصرالدین شاه در پاسخ به تقاضای کمک محمدیوسف میرزا حاکم هرات یک نیروی نظامی به فرماندهی سلطان مراد میرزا به خراسان اعزام داشت.

۱۲۳۵ ه.ش / ۱۸۵۶ م

جولای

کابینه انگلستان دستور زیر را به هند صادر کرد:

«هر چه زودتر نسبت به آماده کردن قوای نظامی با قدرت که توان اشغال جزیره خارک در خلیج فارس و نواحی بوشهر واقع در سرزمین اصلی ایران را داشته باشد اقدام لازم معمول دارند.»

۱۲۳۵ ه.ش / ۱۸۵۶ م

ناخدا دوم فلیکس جونز به عنوان نماینده مقیم انگلیس در بوشهر تعیین شد.

سپتامبر

ناخدا دوم فلیکس جونز پرسنل جمعی نیروی دریایی هند گزارش کرد که ساکنان بوشهر و سایر شهرهای ساحلی جنوب ایران با دریافت خبر مقدمات اردوکنشی از بمبئی فوق العاده خشمگین شده و جو سیاسی بوشهر آنچنان متشنج شده که جونز آرشیو نمایندگی سیاسی انگلیس و نفوذ موجود در آنجا را به یک ناو گشتی انگلیس که در نزدیکی بوشهر لنگر انداخته بود منتقل کرد.

از سوی دولت انگلیس دستور داده شد نسبت به اعزام قشون به خلیج فارس اقدام لازم معمول دارد و در همان حال به قنصل‌های انگلیس در تهران و تبریز دستور داده شد تا هر چه زودتر خاک ایران را ترک کنند.

نوامبر

قشون اعزامی شامل ۴۵ فروند کشتی جنگی از بنادر کراچی، پور بندر وینگولا و بمبئی رهسپار خلیج فارس گردید. فرماندهی نیروهای انگلیس به ژنرال استاکر واگذار شده بود.

۱۶ نوامبر

ناخدا دوم جونز نمایندگی سیاسی مقیم بوشهر، کنسولگری بوشهر را تعطیل نمود.

۴ دسامبر

اشغال خارک بدون هیچ گونه مقاومتی.

۶ دسامبر

ناوگان اعزامی انگلیس در ساحل هلیله، واقع در ۱۰ مایلی خور بوشهر لنگر انداختند.

۷ دسامبر

عملیات تخلیه قشون از کشتی‌ها در خلیج کوچک هلیله آغاز شد و یک روز بعد عملیات نظامی شروع گردید.

۹ دسامبر

نیروهای مجاهد تنگستان تحت امر باقرخان با فداکاری قابل توجهی در برابر نیروهای متجاوز انگلیسی به مقاومت

عنوان نماینده سیاسی مقیم بوشهر از سر گرفت.
۱۸۵۸ م فوریه
پایان دادن به اشغال خارک.

۱۲۶۰ ه.ش / ۱۸۸۱ م
رئیس علی دلواری فرزند رئیس محمد در روستای دلوار، دهی از دهستان ساحلی بخش اهرم شهرستان بوشهر در شش کیلومتری جنوب باختر اهرم متولد شد.

۱۲۷۴ ه.ش / ۱۸۹۵ م
ناصرالدین شاه به ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی در بقعه حضرت عبدالعظیم کشته شد و فرزندش مظفرالدین شاه در سن ۴۵ سالگی به پادشاهی رسید.

۱۲۸۰ ه.ش / ۱۹۰۱ م
ویلیام ناکس داریسی امتیاز استخراج نفت ایران را در سراسر کشور به استثنای پنج ایالت شمالی به دست آورد.

۱۲۸۵ ه.ش / ۱۹۰۶ م
به دنبال مبارزات خونین مردم ایران مظفرالدین شاه با استقرار مشروطیت موافقت نمود. او ده روز بعد از امضای قانون اساسی از دنیا رفت و محمدعلی شاه به سلطنت رسید.

احمدخان دریابگی حکمران بنادر شد.
آغاز حکمرانی غضنفر السلطنه در برازجان
آغاز به قدرت رسیدن زائر خضرخان در اهرم

۱۲۸۶ ه.ش / ۱۹۰۷ م
انگلستان و روسیه توافق نمودند. ایران را به سه منطقه تقسیم کرده شمال برای روس ها، جنوب شرقی برای انگلیس ها و منطقه مرکزی نیز بی طرف.

۱۲۸۶ ه.ش / ۱۹۰۷ م
پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م فیما بین دولتین روسیه و بریتانیا، انگلیس ها، یک عده نظامی در بوشهر پیاده کرده، عازم شیراز شدند. عده ای از اهالی بوشهر که محرک و پیشوای آن ها میرزا علی کازرونی بود چند تلگراف به ناصر دیوان کازرونی مخابره و از او تقاضا کردند که از عبور قشون اجنبی جلوگیری نماید.

ناصر دیوان در محلی به نام تنگ ترکان با عده ای تفنگچی با اردوی انگلیسی مصاف داده ضربات مهلکی بر آن ها وارد کرده و آن ها را مجبور به عقب نشینی نمود.

۱۲۸۷ ه.ش / ۱۹۰۸ م
در زمان استبداد صغیر محمدعلی شاه، مرحوم آیت الله سید عبدالحسین لاری که از علما و مجتهدین اعلم جنوب و از طرفداران جدی مشروطه و حکومت دموکراسی بود به مرحوم سید مرتضی علم الهدی دستور داد که بوشهر را از تصرف مستبدین و طرفداران محمدعلی شاه خارج کند.

سید مرتضی مجتهد اهرمی با کمک رئیس علی دلواری و مرحوم میرزا علی کازرونی گمرک و سایر ادارات دولتی بوشهر را به تصرف درآورد و محافظت مال التجاره آن را که بالغ بر دو میلیون تومان بود به رئیس علی با یکصد نفر تفنگچی همراه او سپرد.

رئیس علی دلواری در تمام مدتی که در بوشهر بودند (قریب ۹ ماه) با مردم این شهر با حسن سلوک رفتار نموده، به نحوی که این معنی موجب تعجب و تحیر دوست و دشمن گردید.

۵ فرودین
۱۲۸۸ ه.ش / ۱۹۰۹ م
اهالی بندر لنگه اعم از شیعه و سنی به تبعیت از نهضت مردم بوشهر به رهبری شیخ شبر، ادارات دولتی را تصرف

نیروهای انگلیسی به تلافی کشته شدن نایب کنسول و ملازمانش در اطراف کوه کزی به دست رئیس علی و یارانش تصمیم گرفتند دلوار را تسخیر و با خاک یکسان و ساکنین آن جا را قتل عام نمایند، بنابراین شروع به بمباران مناطق مسکونی و قطع نخلستان های اطراف آن جانموندند.

و نایب الحکومه را وادار به تسلیم نمودند.

۱۲۸۸ ه.ش / ۱۹۰۹ م

محمدعلی شاه قاجار بعد از سه سال حکومت مستبدانه و قتل و کشتار آزادی خواهان از حکومت معزول شد و فرزند خردسالش احمدشاه به جانشینی وی تعیین گردید.

۱۲۸۹ ه.ش / ۱۹۱۰ م

واسموس به عنوان کنسول آلمان وارد بوشهر شد.

۱۲۸۹ ه.ش / ۱۹۱۰ م

واسموس بعد از یک سال مأموریت در بوشهر به برلن مراجعت نموده و نامبرده که قبل از تصدی مقام کنسولی آلمان در بوشهر در ماداگاسکار زندگی می کرد، مجدداً به آن جا رفت و سه سال متوالی بدون این که با اروپاییان رفت و آمد یا اوقات خود را در باشگاه ها بگذرانند و به تحصیل زبان فارسی پرداخت و در سال ۱۹۱۳ باز به بوشهر عزیمت نمود.

۱۲۹۴ ه.ش / اوت ۱۹۱۴ م

در اوایل ماه اوت جنگ جهانی اول شروع شد و کشورهای آلمان، اتریش، روسیه، فرانسه و انگلستان درگیر شدند. دولت مستوفی الممالک در غیاب مجلس شورای ملی با صواب دید جمعی از رجال برجسته کشور تصمیم گرفت، ایران را رسماً بی طرف اعلام دارد تا بدین وسیله کشور را از مهلکه جنگ دور کند.

۱۲۹۴ ه.ش / ۱۹۱۵ م

۸ مارس

واسموس برای بار سوم به ایران بازگشت. در بندر ریگ او و همراهانش در دامی که یکی از خوانین انگلوفیل آن شهر برای او تدارک دیده بود گرفتار آمدند. واسموس و یکی از همراهانش به نام لیندرز گرفتار شدند و بوهنشورف عضو دیگر گروه آلمانی واسموس از چنگ



تفنگداران حیدرخان حیات داوودی گریخت و به بغداد بازگشت. واسموس خود نیز هنگامی که قصد داشتند تا او و لیندرز را تحویل سربازان انگلیسی دهند گریخت و برازجان به غضنفر السلطنه برازجانی ضابط آن جا پناهنده شد.

۹ مارس

لیسترمن کنسول آلمان و آقای ایزنهورت رئیس تجارتخانه آلمانی موسوم به ونکوسوس به اتهام تماس با رهبران مجاهدان جنوب در بوشهر دستگیر شدند و با کشتی انگلیسی به هندوستان تبعید گردیدند.

۱۲۹۴ ه.ش / ۱۹۱۵ م

۱۲ ژوئیه

میجر اولفانت OLPHANT MAJOR فرمانده نیروهای مستقر در مواضع مقدم جبهه جنوب و جی. رنکینگ RANKING.G در مواجهه با نیروهای رزمنده تنگستانی در سبزاباد بوشهر جان خود را از دست دادند.

۱۲۹۴ ه.ش / اوت ۱۹۱۵ م

انگلیسی ها صبح زود بوشهر را اشغال کردند. عده زیادی نظامی هندی از کشتی پیاده شدند و دار الحکومه را از موقر الدوله حکمران بوشهر تحویل گرفتند.

مشار الیه را حبس و اداره عدلیه را منحل کردند و ۱۴ نفر از آزادگان بوشهری را به هندوستان شهر «تانه» تبعید نمودند.

۱۲۹۴ ه.ش / ۱۹۱۵ م

عشایر جنوب به رهبری رئیس علی دلواری، شیخ حسین چاه کوتاهی و زائر خضرخان تنگستانی بر نیروهای انگلیسی مستقر در بوشهر هجوم آورده و تلفاتی بر آن ها وارد ساختند.

۱۸ اکتبر

احمدخان دریابگی دوست انگلیس ها بار دیگر ظاهراً از طرف دولت ایران به حکمرانی بنادر منصوب شد.

۱۲۹۴ ه.ش / ۱۹۱۵ م

مستوفی الممالک از مقام نخست وزیری استعفا داد و مشیر الدوله به جای وی به نخست وزیری رسید.

۱۲۹۴ ه.ش / ۱۹۱۵ م

۲۱ ژوئیه / ۳۰ تیر

یک اسواران و سه توپ به منظور سرکوب رئیس علی دلواری از بصره به بوشهر ارسال گردید.

۱۰ اوت ۱۹۱۵ م

نیروهای انگلیسی برای اجرای یک رشته عملیات علیه رئیس علی بوشهر را به مقصد دلوار زادگاه رئیس علی و کانون اصلی مبارزه ترک گفتند. نیروی مزبور عبارت بود از ناوهای جونو، پیراموس PYRAMUS، لاورنس LAWRENCE و دالهوزی DALHOSIE تحت فرماندهی کاپیتان ویک (WAKE)، نیروی دریایی سلطنتی (N.R) (افسر ارشد نیروی دریایی خلیج فارس) نیمی از پیاده نظام نود و ششم به انضمام دو مسلسل به فرماندهی میجر سی. ای. اچ. وینتل (H.E.C) (WINTLE)

۱۳ تا ۱۵ اوت

نیروهای انگلیسی به تلافی کشته شدن نایب کنسول و ملازمانش در اطراف کوه کزی به دست رئیس علی و یارانش تصمیم گرفتند دلوار را تسخیر و با خاک یکسان و ساکنین آن جا را قتل عام نمایند، بنابراین شروع به بمباران مناطق مسکونی و قطع نخلستان های اطراف آن جا نمودند، لیکن مقاومت دلیرانه مبارزان تنگستانی به رهبری رئیس علی و قوای کمکی دشتی به رهبری خالوحسین

توسط مجاهدان شیراز به اسارت درآمده و در عرض یک ساعت عازم بوشهر گردیدند.

۲۶ آبان ۱۲۹۴ / ۱۷ نوامبر ۱۹۱۵

میجر اوکانر (کنسول بریتانیا در شیراز) و آقایان فرگوسن و اسمیت و یکی از کارمندان اداره تلگراف آقای لیوینگستون (LIVINGSTON) یکی از تجار و سوارهای مستحفظ کنسولگری که توسط کمیته حافظین استقلال ایران در شیراز دستگیر شده بودند بعد از چند روز بازداشت نزد غضنفر السلطنه رهبر مجاهدان برازجانی به اهرم اعزام تا نزد زائر خضرخان که دارای قلعه مستحکمی بود نگهداری شوند.

۲۹ آبان ۱۲۹۴ / ۲۰ نوامبر ۱۹۱۵

خانم فرگوسن و دو دخترش و خانم اسمیت که در اسارت رزمندگان تنگستانی در اهرم به سر می‌بردند همراه با یک نیروی مستحفظ و نامه ای از میجر اوکانر به عنوان اقدامی انسان دوستانه رهایی یافته وارد بوشهر شدند.

آبان ۱۲۹۴ / نوامبر ۱۹۱۵

با فرا رسیدن ناوهای فیلولم بریتانیا و برامبل ناوگان انگلیس در خلیج فارس تقویت گردید تا در صورت اعلان جنگ انگلیس علیه ایران انگلیسی‌ها را در امر محاصره بنادر کمک کنند.

۳۰ آذر ۱۲۹۴ / ۲۱ نوامبر ۱۹۱۵

معاون نماینده سیاسی مقیم بریتانیا در بوشهر مستر چیک از قوام الملک کفیل ایالت فارس نامه ای دریافت نموده که در آن نامه قید شده بود که به زودی یک نیروی ایلی تشکیل داده و با حمله به ژاندارمری اوضاع را به نفع خود برمی‌گرداند.

۱۸ دی ۱۲۹۴ / ۸ ژانویه ۱۹۱۶

تلاش قوام الملک در فارس برای مقابله با ژاندارم‌ها به جایی نرسید و مجبور شد از شیراز فرار کرده به لار پناه برد و در آنجا از دوستان انگلیسی خود تقاضای مساعدت مالی و تسلیحاتی نمود.

بهمن ۱۲۹۴ / ژانویه ۱۹۱۶

به منظور کمک به قوام الملک در فارس و تثبیت موقعیت انگلیسی‌ها در جنوب به معاون نماینده سیاسی مقیم در بوشهر (مستر چیک) دستوراتی داده شد و دو روز بعد نایب السلطنه هند لیوتان کلنل سرپرسی - سایکس را به خاطر تجارب گسترده ای در مورد ایران و اطلاعات عمیقش از ایران مأموریت یافت تا یک نیروی نظامی مستحفاظی در جنوب کشور تشکیل دهد. (پلیس جنوب) اسفند ۱۲۹۴ / مارس ۱۹۱۶

نیروی صد و بیست و چهارم پیاده بلوچستان و دو اسواران از نیروهای پانزدهم نیزه دار برای تقویت ساختاری بوشهر از بین‌النهرین وارد این شهر گردید زیرا سرپرسی سایکس و مارلینگ هر دو بر این باور بودند که تهاجمی بر ضد رزمندگان تنگستانی و دشتستانی می‌تواند تأثیرات سیاسی مناسبی به نفع قوام الملک در فارس داشته باشد.

۱۷ اردیبهشت ۱۲۹۵ / ۲۷ آوریل ۱۹۱۶

نیروهای انگلیسی برای نمایش قدرت به همراه یک ستون نظامی در حول و حوش مشیله (منطقه ای در ضلع جنوبی بوشهر) به یک حرکت شناسایی دست زدند. ستون مزبور به روستای جغادک که مرکز تجمع و استقرار نیروهای رزمنده تنگستانی و دشتستانی بود یورش آورد و ضمن ویران نمودن روستای مزبور با دادن تلفاتی مجبور به عقب نشینی گردید.

فروردین و اردیبهشت ۱۲۹۵ / آوریل ۱۹۱۶

تلاش برای رهایی میجر اوکانر کنسول انگلیس و دیگر



مهر / اکتبر

والی فارس (مخیر السلطنه) که پس از گرفتن بوشهر توسط انگلیسی‌ها به کمک آلمان‌ها گروهی داوطلب تحت فرماندهی افسران ژاندارمری بسیج کرده بود با فشار انگلیسی‌ها بر دولت مرکزی برکنار و قوام الملک که گرایشات انگلیسی داشت به کفالت ایالت فارس رسید.

اول آبان ۱۲۹۴ / اکتبر ۱۹۱۵

دو نفر کارمند کنسولگری بریتانیا در شیراز مورد اصابت گلوله قرار گرفته و مجروح شدند. دو روز بعد میجر

پس از شهادت جان‌گداز رئیس‌علی دلواری، حجت الاسلام آقا سید مرتضی علم‌الهدی که با رئیس‌علی دوستی دیرینه داشت به نام خونخواهی او، زائر خضرخان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی را تشویق و ترغیب به جنگ با قوای انگلیس نمود که این اقدام منجر به تهاجم شبانگاهی در کوه کزی واقع در جنوب بوشهر به نیروهای اجنبی گردید.

اوکانر (کنسول انگلیس در شیراز) به مارلینگ اطلاع داد که اگر بی‌درنگ اقدامی مقتضی مجری نگردد اتباع بریتانیا دیگر امکان اقامت در شیراز نخواهد داشت.

آبان ۱۲۹۴ / ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵

میجر اوکانر (کنسول بریتانیا در شیراز) و فرگوسن (FERGUSSON) مدیر شعبه بانک شاهنشاهی شیراز و اسمیت رئیس تلگراف‌خانه هند و اروپا و خانم او و یکی از کارمندان اداره تلگراف و یک بازرگان انگلیسی به نام لیوینگستن، پتیگرو و خانم او و یک نفر منشی سنگالی

بردخونی سبب گردید تا انگلیس‌ها بعد از تحمل تلفات در دلوار فوراً با پایگاه اصلی خود عقب نشینی کرده و این فتح و پیروزی موقعیت درخشانی برای رئیس‌علی دلواری و یارانش فراهم ساخت.

۲۵ مرداد / ۱۶ اوت

عشایر جنوب (دلیران تنگستانی - دشتی و دشتستانی) با عبور از میان قرارگاه‌های استحفاظی انگلیس‌ها که سمت جنوبی بوشهر را از بالای برج مقام تا دریای واقع در طرف مشرق برج مقام، همچنین تنگک محمد جعفری تا سبزآباد را سیم خاردار کشیده بود. چند شبیخون جسورانه به سربازان هندی و انگلیسی تحت فرمان ژنرال اچ. تی. بروکینگ (BROKING .T.H) وارد ساخته و در حدود ۲۴ نفر از نیروهای وی را به هلاکت رساندند.

۲۶ مرداد / ۱۷ اوت

عین الدوله برکنار و کابینه جدیدی در تهران به ریاست مستوفی الممالک تشکیل شد.

شهریور / سپتامبر

در شیراز مجاهدین و هواداران‌شان به خاطر تصرف بوشهر به دست نیروهای انگلیسی بر دامنه تبلیغات خویش علیه انگلیس‌ها افزودند.

۱۲ شهریور / ۳ سپتامبر

ژنرال بروکینگ که فرماندهی قوای انگلیس در بوشهر را به عهده گرفته بود گزارش کرد که احتمال می‌رود قوای ایرانی (دلیران تنگستانی، دشتستانی) بنابر تخمین او حدود ۲۰۰۰ نفر که در دلوار و برازجان مستقر بودند در شب‌های تاریک حمله ای صورت دهند.

۱۲ شهریور ۱۲۹۴ / ۳ سپتامبر ۱۹۱۵

رئیس‌علی دلواری به همراه چند نفر از هم‌زمانش به قصد شبیخون به قرارگاه‌های سربازان انگلیسی به تنگک صفر واقع در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی بوشهر عزیمت کرد. آن‌ها در موضعی حساس قرار گرفته، اردوگاه افراد دشمن را آماج گلوله‌های خود می‌سازند. اما ناگهان رئیس‌علی مورد هجوم قرار گرفته به شهادت می‌رسد پس از وصول اخبار تنگستان مجلس ختمی در مسجد وکیل شیراز از طرف مادر علی قلی خان برپا شد و هزاران نفر با چشم اشکبار در ترحیم رئیس‌علی شهید دلوار شرکت جستند و سینه چاک نمودند.

شهریور / ۸ سپتامبر

نایب کنسول بریتانیا در شیراز (غلام علی خان نواب) به انتقام شهادت رئیس‌علی مورد حمله قرار گرفته، کشته شد.

شهریور (جنگ کوه کزی)

چندی پس از شهادت جان‌گداز رئیس‌علی دلواری، حجت الاسلام آقا سید مرتضی علم‌الهدی که با رئیس‌علی دوستی دیرینه داشت به نام خونخواهی او، زائر خضرخان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی را تشویق و ترغیب به جنگ با قوای انگلیس نمود که این اقدام منجر به تهاجم شبانگاهی در کوه کزی واقع در جنوب بوشهر به نیروهای اجنبی گردید. در این جنگ تلفات وارده بر نیروهای انگلیسی سنگین بود و حدود یک سوم از نیروهای سوار از پای درآمد، دو افسر، میجر پنینگتون و لیوتان ال. ای. ال تورنتون و دو افسر هندی کشته شدند لیکن بر اثر آتش سنگین توپخانه و کمبود فشنگ و تشنگی نیروهای مجاهد مجبور به تخلیه مواضع خود و عقب نشینی گردیدند. خالو حسین بردخونی در این جنگ به اسارت درآمد و فرزند شیخ حسین خان چاه کوتاهی به نام شیخ عبدالحسین خان که ۲۵ سال داشت به شهادت رسید.

اسرای انگلیسی در اهرم انجام گرفت و دولت ایران از صولت الدوله خواست تا از نفوذ خود استفاده کرده موجب رهایی اسرای مزبور گردد.

۲۷ خرداد ۱۲۹۵ / ۱۷ ژوئن ۱۹۱۶

مارلینگ سفیر انگلیس در تهران طی مخابره تلگرافی به میجر تریور قائم مقام کنسول انگلیس در بوشهر اطلاع داد که وزارت خارجه بریتانیا و وزارت هندوستان تصمیم گرفته‌اند که برای آزادسازی اسرای بریتانیا در اهرم با مطرح ساختن شرایطی که احتمالاً مورد پذیرش سران مجاهدین خواهد بود وارد مذاکره گردد. از جمله شرایط سران مجاهدین برای آزادی گروگان‌ها موارد ذیل بود:

(۱) رهایی ۱۶ نفر از کسانی که در اسارت انگلیسی‌ها بودند از جمله خالو حسین بردخونی هم‌رزم شهید رئیس علی دلواری که در جنگ کوه کزی به اسارت درآمد.

(۲) تضمین بازگشایی راه شیراز، برازجان، بوشهر. (۳) استرداد پول و بار چای رهبران تنگستانی که در بوشهر ضبط شده بود.

۹ تیر ۱۲۹۵ / ۳۰ ژوئن ۱۹۱۶

دکتر ازوپاردی (Dr. AZZOPARDY) از اتباع مالت و یکی از اسرا در اهرم که به علت بیماری آزاد شده بود وارد بوشهر گردیدند.

مرداد ۱۲۹۵ / ژوئیه و اوت ۱۹۱۶

مذاکره برای آزادی اسرای انگلیسی در اهرم مدتی به طول انجامید ولی بالاخره پس از چندی آخرین اسیر، کلنل اوکانر در ۲۰ اوت / ۲۹ مرداد به بوشهر آورده شد.

۱۲ / اوت ۱۹۱۶

سپه‌دار اعظم در اثر بحران ناشی از پیشروی ترک‌ها در خاک ایران و عدم رضایت احمدشاه و تمایلات روسی خود ناگزیر استعفاء داد و در ۱۳ اوت احمدشاه فرمان ریاست وزرایی و وثوق الدوله را صادر کرد، بعد از مدتی به علت مخالفت انگلیسی‌ها و بالاخص شخص چرچیل از اعضای سفارت انگلیس و وثوق الدوله موفق به تشکیل کابینه نگردید.

۲۳ مهر ۱۲۹۵ / ۱۵ اکتبر ۱۹۱۶

فرمان فرما که به فرمانروایی فارس و کرمان منصوب گردیده بود به همراه کلنل گاف وارد شیراز شد.

۱۷ / ۱۲۹۵ دسامبر ۱۹۱۶

یک واحد پلیس جنوب که در کازرون مستقر بود از جانب ناصرالدیوان کازرونی کلانتر آنجا مورد حمله قرار گرفت و پس از خلع سلاح از شهر بیرون رانده شدند. حاکم شهر کازرون نیز که گرایشات انگلیسی داشت به وسیله ناصرالدیوان زندانی گردید.

۳۰ آذر ۱۲۹۵ / ۲۱ دسامبر ۱۹۱۶

نیروهای مخالف انگلیسی‌ها پس از یک رشته زد و خوردها پاسگاه پلیس جنوب در دشت ارژن تصرف کرده و نیروهای مستقر در آن را به اسارت گرفتند. برخلاف انتظار سرپرسی سایکس تشکیل دهنده پلیس جنوب، عملیات دشت ارژن برای انگلیس‌ها موفقیت آمیز نبود و تلفات فراوانی متحمل گردیدند.

اردیبهشت ۱۲۹۶ / آوریل ۱۹۱۷

سر چارلز مارلینگ به میجر تریور در بوشهر دستور داد که طرح حمایت از احمدخان دریابگی در اعزام قوایی بر ضد رهبران قیام چاه کوتاه، تنگستان و برازجان را به مرحله اجراء گذارد.

اردیبهشت ۱۲۹۷ / مه ۱۹۱۸

ظاهراً قیام کازرون به تحریک صولت الدوله انجام گرفته و یکی از دلایل این شورش اختلافاتی بود که بین صولت

الدوله و فرمان فرما به وجود آمد. صولت الدوله تصمیم گرفت سر بر دستور العمل‌های تهران نهاده برای انهدام پلیس جنوب و اخراج انگلیسی‌ها وارد عمل شود.

۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ / مه ۱۹۱۸

فرمان فرما از صولت الدوله نامه ای دریافت کرد که در آن آمده بود اگر دستور دیگری از دولت ایران نرسد ایلات جنوب ایران و به ویژه ایل قشقائی بر ضد نیروهای هند و پلیس جنوب که به گفته او نیروی خارجی هستند و از سوی دولت به رسمیت شناخته نشده بود وارد کارزار خواهند شد.

۳۱ اردیبهشت ۱۲۹۷ / مه ۱۹۱۸

سرپرسی سایکس ضمن ارسال گزارش اظهار داشت که حدود ۶۰۰۰ نفر قشقائی در اطراف خان زینان و احتمالاً ۶۰۰۰ نفر در دشت ارژن مستقر شده‌اند. روحانیون و صولت الدوله به تبلیغ جهاد برخاسته (آیت الله محلاتی) و کل ایل قشقائی به صورتی متحد آماده کارزار است.

۲ خرداد ۱۲۹۷ / ۲۳ مه ۱۹۱۸

فرمان فرما والی فارس نامه ای از صولت الدوله دریافت داشت که به منزله اعلام جنگ علیه پلیس جنوب و نیروهای هندی به شمار می‌رفت.

۴ خرداد ۱۲۹۷ / ۲۵ مه ۱۹۱۸

عشایر فارس به فرماندهی صولت الدوله عملیات محیر العقولی، علیه قوای انگلیس انجام دادند که در تاریخ عملیات نظامی به «عملیات ده شیخ» معروف است - قشقائی‌ها با ۴۵۰۰ نفر جنگجو شجاعانه بر علیه متجاوزان انگلیس جنگیدند و ضمن وارد آوردن تلفات فراوان بر آن‌ها خود نیز در حدود ۶۰۰ الی ۷۰۰ کشته بر جای گذاشتند. در این جنگ ناصر دیوان کازرونی نیز به همراه مجاهدان کازرونی قشقائی‌ها را کمک نمودند و در خاتمه جنگ که با پیروزی مجاهدان توأم بود سردار عشایر صولت الدوله مکتوبی برای ناصرالدیوان کازرونی فرستاد و از جوانمردی و رشادت وی در مبارزه با انگلیسی‌ها تشکر و قدردانی کرد.

نیروهای مخالف انگلیسی‌ها پس از یک رشته زد و خوردها پاسگاه پلیس جنوب در دشت ارژن تصرف کرده و نیروهای مستقر در آن را به اسارت گرفتند. برخلاف انتظار سرپرسی سایکس تشکیل دهنده پلیس جنوب، عملیات دشت ارژن برای انگلیس‌ها موفقیت آمیز نبود و تلفات فراوانی متحمل گردیدند.

۴ خرداد ۱۲۹۷ / ۲۵ مه ۱۹۱۸

نیروی پلیس جنوب در خان زینان دست به شورش زده و کاپیتان ویل سرجنت کومر را به هلاکت رسانیده و پاسگاه را نیز به قشقائی‌ها و کازرونی‌ها تحویل دادند.

۵ خرداد ۱۲۹۷ / ۲۵ مه ۱۹۱۸

سرپرسی سایکس طی تلگراف‌های ۱۶ و ۲۷ که به هندوستان مخابره کرد اوضاع را بعد از پیروزی نیروهای صولت الدوله در خان زینان بر قوای انگلیس و تخیم توصیف کرد.

۲۵ خرداد ۱۲۹۷ / ۵ ژوئن ۱۹۱۸

حکومت هند نظر خود را در مورد اوضاع فارس به اطلاع

وزارت امور خارجه هندوستان رساند. به عقیده حکومت هند قیام صولت الدوله بیانگر آشکار انزجار ملی ایرانیان از دخالت‌های انگلیسی‌ها بود.

۲۵ خرداد ۱۲۹۷ / ۵ ژوئن ۱۹۱۸

حدود ۱۳۰۰ تفنگچی که اکثراً کازرونی بودند در حومه شیراز در امتداد محور احمدآباد - کشن - مسجد بردی مستقر شده‌اند و حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر تحت فرماندهی ناصر دیوان کازرونی در چنار - راهدار موضع گرفته، حدود ۳۰۰۰ نفر قشقائی نیز به فرماندهی صولت الدوله در ده شیخ مستقر شدند.

در شیراز روحانیون دست به کار شده و قصد داشتند مردم را بر ضد انگلیسی‌ها و تمام ایرانیانی که در خدمت آن‌ها بودند بشوراندند.

۱۴ مرداد ۱۲۹۷ / ۵ اوت ۱۹۱۸

صمصام السلطنه استعفاء داد و کابینه جدیدی به ریاست وثوق الدوله تشکیل گردید.

در طول ماه اوت سر چارلز مارلینگ گزارش کرد با آن‌که وثوق الدوله از ما نخواهد خواست که در جاده بوشهر - شیراز دست به عملیات پاکسازی بزنیم ولی از اجرای آن خشنود خواهد شد.

شهریور ۱۲۹۷ / سپتامبر ۱۹۱۸

اوضاع شیراز آرام بود سردار احتشام رقیب صولت الدوله در اوایل سپتامبر در تعقیب صولت الدوله فیروزآباد را ترک گفت و در حوالی ۱۵ سپتامبر / ۲۴ شهریور در جنوب قیر بر نیروهای صوت الدوله حمله آورد.

صولت الدوله وادار به عقب نشینی شد ولی بر اثر ایستادگی صولت الدوله عرصه بر احتشام تنگ شد.

۳۰ شهریور ۱۲۹۷ / ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۸

غضنفر السلطنه برازجانی همراه با ۴۰۰ تفنگچی به چاه کوتاه آمد. مستر بیل توصیه کرد که حاکم بوشهر طی دیداری از غضنفر السلطنه از او بخواهد که افرادش را برگرداند. در صورت امتناع غضنفر السلطنه نیروهای انگلیسی چاه کوتاه را تصرف کنند. در ۲۲ سپتامبر / ۳۱ شهریور زائر خضرخان با سی تفنگچی به نیروهای شیخ حسین خان و غضنفر السلطنه در چاه کوتاه پیوست. اندکی بعد از شروع تلاش‌هایی که برای مذاکرات آغاز گردید روشن شد که سران مجاهدین به هیچ وجه قصد سازش ندارند و نیرویی معادل ۶۰۰ تفنگچی به اتخاذ مواضع دفاعی در اطراف چغادک مشغول شدند.

۷ مهر ۱۲۹۷ / ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۸

نیروهای انگلیسی مواضع مبارزین دشتستانی، چاه کوتاهی، دشتی و تنگستانی را زیر آتش گرفته نیروهای رزمنده ایرانی بعد از ساعاتی مقاومت به علت شکست جناح چپ مجاهدین به فرماندهی زائر خضرخان چون امکان داشت قشون انگلیسی بقیه مبارزان را در حلقه محاصره گازانبری قرار دهد غضنفر السلطنه و شیخ حسین چاه کوتاهی راضی به عقب نشینی شدند و چغادک به تصرف نیروهای انگلیسی درآمد.

مهر ۱۲۹۷ / اکتبر ۱۹۱۸

غضنفر السلطنه با تمام افرادش به ارتفاعات اطراف کوه گیسکان پناه برده، شیخ حسین خان، چاه کوتاه را ترک گفته و به بوشکان پناه برد و زائر خضرخان در شب‌های ۱۴ و ۱۵ مهر همراه افرادش به اردوی انگلیسی‌ها در عالی جنگی شیبخون زد.

۲۳ مهر ۱۲۹۷ / ۱۵ اکتبر ۱۹۱۸

شیخ عبدالله چاه کوتاهی برادر شیخ حسین خان به جای



زند یاد محمود جوهری بازنگر نقش شهید دلواری در سوال دیوان تنگستان.

او به سرپرستی چاه کوتاه منصوب شد و پادگان انگلیس چاه کوتاه برجیده شد. در شب ۲۷ مهر ستون کوچکی از نیروهای انگلیسی به سوی اهرم پیشروی کرد. زائر خضرخان چند روز قبل به آنجا رفته بود. ستون مزبور پس از یک روز راهپیمایی طولانی و تقریباً بدون رو به رو شدن با هیچ گونه مقاومتی وارد اهرم شد ولی زائر خضرخان و اساموس هر دو آنجا را ترک گفته بودند. انگلیسی‌ها پس از تخریب بخشی از بنای قلعه (کلات اهرم) عصر همان روز به عالی چنگی بازگشتند.

۲۹ مهر ۱۲۹۷ / ۲۱ اکتبر ۱۹۱۸

غضنفر السلطنه در لرده واقع در ارتفاعات شرق برازجان همراه با گروهی از تفنگچیاننش موضع گرفته ژنرال السمی تصمیم گرفت پیش از آن که نیروهای غضنفر السلطنه افزایش یافته و خط مواصلاتی را در معرض خطر قرار دهند آن‌ها را پراکنده سازند.

۱ آبان ۱۲۹۷ / ۲۳ اکتبر ۱۹۱۸

ژنرال السمی در اول آبان به برازجان وارد و آنجا را متصرف شد.

(نبرد لرده)

۶ آبان ۱۲۹۷ / ۳۱ اکتبر ۱۹۱۸

ژنرال السمی بر اساس اطلاعات موجود و شناسایی کاپیتان والاس افسر ستاد فرماندهی تنها راه پیروزی را غافلگیری کامل نیروهای غضنفر السلطنه دانست. نیروهای انگلیسی با عده زیادی بعد از راهپیمایی شبانه به قله بلندی مشرف بر لرده رسید و علیرغم غافلگیری مجاهدین برازجانی با مقاومت فزاینده آن‌ها رو به رو گردید. نیروهای دشمن در دو گروه به فرماندهی ژنرال والاس و میجر فرنگز نیروهای طرفدار غضنفر السلطنه را مورد حمله قرار دادند، و علیرغم آتش توپخانه سنگین خود متوجه گردیدند که عشاير با استقرار در مواضعی مشرف بر مسیر عقب نشینی نیروهای انگلیسی آن‌ها را در محاصره گرفته‌اند. نیروهای انگلیسی بعد از دادن تلفات زیاد مجبور به عقب نشینی گردیده و به هدف‌های از پیش تعیین شده دست نیافتند.

۱۲۹۷ ه.ش / ۱۹۱۸ م

انگلیس‌ها پس از تسلط بر برازجان و پناهندگی غضنفر السلطنه به کوه‌های گیسکان، ضابطی برازجانی را به آقاخان زیارتی ملقب به ضرغام السلطنه از مخالفان وی واگذار کردند. وی مقبولیت غضنفر السلطنه را نداشت و در دوره تسلط خود بر برازجان که از حمایت انگلیسی‌ها برخوردار بود با استبداد و خشونت با مردم رفتار نمود.

۱۷ ادی ۱۲۹۷ / ۳۱ دسامبر ۱۹۱۸ م

نیروهای انگلیسی برای حمایت از نیروهای تحت فرمان دریابگی به اهرم رفتند. یکی از اهداف این لشکرکشی تعیین یک حاکم جدید برای آنجا بود. دریابگی از مقابله با زائر خضرخان فرو مانده بود، خواستار پشتیبانی نظامی نیروهای انگلیسی شد. از سوی واحدهای انگلیسی مستقر در اهرم ستونی به کمک دریابگی اعزام شد. زائر خضرخان به خائیز پناه برد، و ستون انگلیسی فرا خوانده شد.

۱۲۹۸ ه.ش / ۱۹۱۸ م

واسموس و اورتل که با لباس مبدل فارس را ترک گفته بودند توسط ژاندمری ایران دستگیر و به انگلیسی‌ها تحویل داده شدند.

انگلیسی‌ها آن‌ها را از طریق باکوبه آلمان فرستادند.

۱۲۹۸ ه.ش / ۱۹۱۸ م

قوایی مرکب از ۱۰۰ پیاده، ۵۰ سوار و یک عراده توپ ارتیشی شبانه حرکت کرد و در سپیده دم به شیخ حسین

اهرم که از آغاز جنگ بین الملل اول و تصرف بوشهر به وسیله قوای متجاوز انگلیس دلیرانه با آن‌ها جنگیده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۱ قمری / ۱۳۰۱ شمسی به تحریک انگلیسی‌ها همراه با پسرش سام خان به شهادت رسید.

۱۳۰۸ ه.ش / ۱۹۲۷ م

غضنفر السلطنه که سال‌ها بر علیه استعمارگران مبارزه نموده بود با توطئه ای حساب شده با همیاری اولیاء دولت موقت (رضاخان) به شهادت رسید.

۱۹ / ۱۰ / ۱۳۷۲

منابع و مأخذ

- ۱- سایکس، کریستوفر، فعالیت‌های جاسوسی واسموس لارنس آلمانی در ایران، حسین سعادت نوری.
- ۲- سایکس، سرپرستی، تاریخ ایران، ۲ جلد ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی.
- ۳- رایست، دنیس، انگلیسیان در میان ایرانیان، ترجمه لطفعلی خنجی.
- ۴- رایست، دنیس، ایرانیان در میان انگلیس‌ها، ترجمه منوچهر طاهر نیا.
- ۵- بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران ۶ جلد.
- ۶- سپهر، مورخ الدوله (احمدعلی) ایران در جنگ بزرگ ۱۸ - ۱۹۱۴.
- ۷- ذوقی، دکتر ایرج، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۲۵ - ۱۹۰۰.
- ۸- مایرلی، جیمز، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات.
- ۹- هدایت، مهدی قلی، خاطرات و خطرات.
- ۱۰- رکن زاده آدمیت، محمدحسین، دلبران تنگستانی.
- ۱۱- بیات، کاوه، ایران و جنگ جهانی اول (اسناد وزارت خارجه).
- ۱۲- رکن زاده آدمیت، محمدحسین، فارس و جنگ بین الملل.
- ۱۳- سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران (اس. پی. آر)
- ۱۴- فراش بندی، علی مراد، گوشه ای از تاریخ مبارزات مسلحانه مردم، دشتی، دشتستان و تنگستان.
- ۱۵- شمیم، علی اصغر، تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجار.
- ۱۶- وادلا، ر، خلیج فارس در عصر استعمار ترجمه پرفسور شفیع جوادی.
- ۱۷- فراش بندی، علی مراد، خاندان تنگستانی.
- ۱۸- کلی، جی. بی، هجوم انگلیس به جنوب ایران، ترجمه حسن زنگنه.
- ۱۹- داد، گرنی، لشکرکشی به ایران، حسن زنگنه.
- ۲۰- خورموجی، محمدجعفر، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم.
- ۲۱- اخگر، احمد، زندگی من در طول هفتاد سال تاریخ معاصر ایران.
- ۲۲- احرار، احمد، طوفان در ایران.
- ۲۳- فراش بندی، علی مراد، جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری.
- ۲۴- کیانفر، عین الله، استخری، پروین، کشف تلبیس.
- ۲۵- بیات، کاوه، یادداشت‌های ده ساله کنسول انگلیس در بوشهر.
- ۲۶- قطبی، بهروز، اسناد جنگ اول جهانی در ایران.
- ۲۷- یاحسینی، سید قاسم، دلیر مردان خطه جنوب (مقاله روزنامه کیهان مورخ ۲۲ دی ۱۳۷۲).
- ۲۸- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، محمد رفیعی مهر آبادی.

خان هجوم آوردند. این عملیات به فرماندهی کاپیتان مون انگلیسی و افراد پلیس جنوب انجام گرفت که در نتیجه آن شیخ حسین خان چاه کوتاهی سالار اسلام ضابط و کدخدای چاه کوتاه (هم‌رزم رئیس علی دلواری و زائر خضرخان اهرمی) بعد از سال‌ها مبارزه پیگیر با انگلیس‌ها سرانجام به همراه فرزند رشیدش شیخ خزعل خان به شهادت رسیدند.

۱۲۹۹ ه.ش / ۱۹۱۹ م

غضنفر السلطنه که از طرف انگلیسی‌ها به شیراز تبعید شده بود با انتخاب مصدق السلطنه به سمت والی فارس مجدداً به عنوان ضابط خطه برازجان تعیین و زمام امور آن ناحیه

نیروهای انگلیسی برای حمایت از نیروهای تحت فرمان دریابگی به اهرم رفتند. یکی از اهداف این لشکرکشی تعیین یک حاکم جدید برای آنجا بود. دریابگی از مقابله با زائر خضرخان فرو مانده بود، خواستار پشتیبانی نظامی نیروهای انگلیسی شد.

را به عهده گرفت.

۱۳۰۱ ه.ش / ۱۹۲۱ م

به هنگام مراجعت احمدشاه قاجار از اروپا به ایران از طریق بوشهر کلیه خوانین از جمله صولت الدوله و غضنفر السلطنه به همراه عده کثیری سوار به حضور او رسیدند. بنا به گفته باقرخان تنگستانی غضنفر السلطنه یک جفت قالی ابریشمی ممتاز به احمدشاه تقدیم داشت شاه هم با اعطاء یک قبضه تفنگ سه تیر آلمانی متقابلاً به وی احترام گذاشت. پدر شهید رئیس علی نیز مورد قدرانی قرار گرفت.

فروردین ۱۳۰۱ ه.ش / ۱۹۲۱ م

زائر خضرخان تنگستانی امیر اسلام ضابط و کدخدای